

## بررسی مبانی کنش‌های قومی و تأثیر آن بر مقوله امنیت

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۷

از صفحه ۱۴۹ تا ۱۷۴

جلال درخشه<sup>۱</sup>، سیدعلی مؤمنی<sup>۲</sup>، مهدی پیروزفر<sup>۳</sup>، محمدهادی راجی<sup>۴</sup>

### چکیده

پردازش و تولید نظریه‌ها و چارچوب‌های نظری، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشمندان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است. یکی از نکات مهم برای تولید نظریه‌های متقن در جهت ارزیابی هوشمندانه مناسبات قومی، میزان توجه این نظریه‌ها به منشأ کنش‌های ذهنی و عینی انسان‌ها و جوامع بشری است. شناسایی و تبیین منطق کنش‌های اقوام در این زمینه به مثابه یک کلید راهبردی برای ساخت و پردازش اینگونه از نظریه‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار است. این مهم، مخصوصاً برای کشورهایی که بستر حضور اقوام مختلف داخلی با دامنه‌های امتداد یافته فرامرزی هستند و هویت‌های قومی از درون آن‌ها شروع و به ورای مرزهایشان کشیده شده است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. این تحقیق، از نوع توسعه‌ای - کاربردی است که درصدد تبیین کاربست‌پذیری نظریه کنش‌های نیاز مبنای انسانی در مطالعه موردی قومیت کرد است. در این تحقیق، برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و برای پردازش داده‌ها، از روش تفسیری با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که هرچقدر یک بازیگر عامل در سه لایه تبارشناسی، عرصه شناسی و آینده‌شناسی نسبت به فرآیندهای نیاز ساز بازیگر هدف در نهایت، ارضای نیازهای وی توانایی بیشتری داشته باشد، مدیریت بهتری نسبت به رفتارهای بازیگر هدف خواهد داشت که مؤیدی بر اهمیت درک منشأ کنش‌های انسانی در ساحت فردی و اجتماعی و پاسخگویی هوشمندانه به نیازها به‌عنوان منشأ کنش‌ها است.

**کلید واژه‌ها:** اقوام، کنش‌های قومی، قوم کرد، کنش نیاز، امنیت.

**استناد:** درخشه، جلال، مؤمنی، سیدعلی، پیروزفر، مهدی و راجی، محمدهادی (تابستان ۱۳۹۷). بررسی مبانی کنش‌های قومی و تأثیر آن بر مقوله امنیت. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۳(۵۰)، صص ۱۷۴-۱۴۹.

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، j.dorakhshah@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، sayedalimomeny@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، نویسنده مسئول: mahdipiroozfar1371@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، Mhr70@chmail.ir

## مقدمه

مناسبات یک کشور با اقوام و هویت‌های مختلف از زوایای متنوعی به ویژه سیاسی قابل بررسی و تأمل است. ادبیات دانشگاهی زیادی نیز در این باره تولید شده است که هر کدام از جنبه‌های مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. «نظریه استعمار داخلی، نظریه انتخاب عقلایی، نظریه رقابت نخبگان و نظریه بسیج منابع و غیره» (کاضمی، ۱۳۹۵، ص ۹۳) از جمله نظریه‌های مطرح در این زمینه است. در واقع، پردازش و تولید نظریه‌ها و چارچوب‌های نظری، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشمندان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است. نظریه‌های موفق در این حوزه نیز نظریه‌هایی هستند که بتوانند آشنایی بیشتری نسبت به هندسه زیست و کنش انسانی و بسترهای حیات او و متعاقباً توانایی بیشتری در تبیین منطقی کنش‌های انسان و پیش‌بینی کردن کنش‌های او داشته باشند. یکی از نکات مهم برای تولید نظریه‌های متقن در جهت ارزیابی هوشمندانه مناسبات قومی، میزان توجه این نظریه‌ها به منشأ کنش‌های ذهنی و عینی انسان‌ها و جوامع بشری است. صرف نگاه سیاسی به مسائل اقوام، مانع آن است که یک نگاه کلان راهبردی در رابطه با نحوه تعامل با اقوام مختلف، طراحی و مدنظر قرار گیرد. آمار و ارقام، نشان دهنده این واقعیت است که امروزه کشورهای معدودی را می‌توان به عنوان کشورهای همگن (دارای یک قوم) معرفی کرد. کشور ایران، سرزمینی است که خاستگاه، ماوا و مأمن اقوام مختلفی بوده است (بشردوست تجلی و نوشین فرد، ۱۳۸۲، ص ۶۹). جمهوری اسلامی ایران همواره دارای این دغدغه بوده است که بتواند بهترین تعامل را با اقوام مختلف داشته باشد. نگاه انقلاب اسلامی به موضوع اقوام، نگاهی تعامل‌گرایانه است که سطح تنازعات قومی در داخل را به سطح همگرایی ملی، حول محور ارزش‌های ملی - اسلامی و سطح تنازعات قومی در خارج را به سطح همگرایی، حول فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک تغییر داده است. چارچوب‌سازی الگوی این نوع تعامل، نیازمند نظریه‌های بومی است که بتوانند این سطح از تعاملات را در یک عقبه راهبردی روشن‌مند، شناسایی و ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بایسته است، یک بازیگر عامل در جهت تعامل هوشمندانه با بازیگر هدف خود، دارا باشد، شناخت منابع و مؤلفه‌های رفتار ساز بازیگر هدف است. اینکه کنش‌های ذهنی و عینی بازیگر هدف تحت تأثیر چه عوامل و مؤلفه‌هایی ایجاد می‌شود، ظرفیت مناسبی برای مدیریت آن بازیگر و تنظیم نوع مواجهات تعاملی با آن فراهم می‌کند. در نوع مواجهه با قومیت‌های مختلف نیز این

موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است و امکان پیش‌بینی کردن رفتارهای آن قوم و تنظیم هوشمندانه تعاملات با آن ارتقاء می‌یابد.

در این تحقیق، با طرح مفهوم بنیادین نیاز، به مثابه منشأ کنش‌های انسانی به این موضوع پرداخته شده است، به نحوی که بتوان الگوی تعاملی با اقوام در سطوح داخلی و خارجی را در یک چارچوب و مدل نظری کنش‌محور ارائه داد. سؤال اصلی تحقیق این است که فرآیند شکل‌گیری کنش‌های قومی کرد مبتنی بر الگوی کنش‌ها چگونه است؟ در این مسیر، به سؤالات فرعی، از قبیل منشأ کنش‌های قومی چیست؟ و اینکه لایه‌های مؤثر بر فرآیند شکل‌گیری نیاز و انگیزش و کیفیت ارضای آن در یک قوم چگونه صورت می‌گیرد؟ نیز پاسخ داده خواهد شد. از این‌رو، طراحی الگوی نظری متقن که بتواند طی یک فرآیند راهبردی به برون داد مناسبی از قبیل شناخت سطوح کنش ساز اقوام و امکان پیش‌بینی کنش‌های آن‌ها در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی و به دست آوردن مؤلفه‌های مدیریتی این سطوح و به تبع آن طراحی سناریوهای تعاملی در این زمینه بینجامد، از اهمیت زیادی برخوردار است. دارا نبودن چارچوب‌های نظری کارآمد در این زمینه، مانع شناخت فرآیندهای کنش ساز اقوام و پیش‌بینی رفتارهای آن‌ها و همچنین مانع طراحی و تنظیم الگوهای تعاملی هوشمند خواهد شد. طرح و پردازش فرآیند شکل‌گیری کنش‌های قومی با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای بومی سازی شده مبتنی بر مفهوم بنیادین نیاز به مثابه منشأ کنش‌های انسانی به نحوی که بتوان اصول رفتار ساز بازیگران هدف در ساحات فردی و اجتماعی را شناخت و به مدیریت موفق آن دست زد، از جمله اهداف این تحقیق است.

در مورد قوم کرد، مطالعات فراوانی تا به حال انجام گرفته است. مطابق تحقیق صورت گرفته در مورد «وضعیت مطالعات ترکیه شناسی در ایران»، ۳۴ درصد از کل پایان‌نامه‌های چهار دانشگاه امام صادق (ع)، شهید بهشتی، تهران و علامه طباطبایی که مربوط به کشور ترکیه بوده‌اند، به نحوی به موضوع کردها نیز پرداخته‌اند (اطهری و پیروزفر، ۱۳۹۴، ص ۲۲). همچنین، کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگارش یافته که از آن جمله می‌توان به کتاب «جنبش کردها» (۱۳۷۷) نوشته «أبالاس»<sup>۱</sup> که دربردارنده تاریخچه‌ای از جنبش‌های کردی و کتاب «مسئله کردستان در ترکیه و عراق» (۱۳۷۲)

1.O'balace

که پیرامون کردهای ترکیه و عراق به رشته تحریر درآمده و کتاب «درک کینان»<sup>۱</sup> (۱۹۶۴) با عنوان «کردها و کردستان» که در بردارنده مختصری از تاریخ کرد و همبستگی کردی است، اشاره کرد. البته نکته اشتراک تمامی این منابع این است که در آن‌ها، بیشتر به مباحث تاریخی پرداخته شده و از توجه به مسائل دیگر غفلت شده است. مقاله‌های مختلفی نیز در این زمینه وجود دارد از جمله می‌توان به مقاله «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکتهای قوم گرایانه پیرامونی» که توسط «محمدی و همکارانش» (۱۳۸۹) نگارش یافته و به موضوع خودگردانی کردهای شمال عراق و امکان الگوپذیری سایر کردهای منطقه از این طرح بدون توجه به منشأ کنش‌های قومیت پرداخته، اشاره کرد. مقاله دیگر در این زمینه، «تحلیلی بر رابطه ژئوپلیتیک قوم کرد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» نوشته جهانی، عزتی و نامی (۱۳۹۴) است که فقط رابطه تحلیلی ژئوپلیتیک کردستان و امنیت جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است. لازم به ذکر است که در این مقاله، به عوامل ژئوپلیتیکی مانند کلیات جغرافیای طبیعی (موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، وسعت، منابع و مرز) و کلیات جغرافیای انسانی (جمعیت، زبان، نژاد، دین و مذهب و میراث فرهنگی) پرداخته شده، اما به مطالعه کنش‌های قوم کرد مبتنی بر منشأشناسی کنش پرداخته نشده است. در مقاله دیگری با عنوان «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه» (۱۳۸۸) نیز که در فصلنامه روابط خارجی به چاپ رسیده است، فقط تأثیر احزاب کردی موجود در ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است و باز هم به مطالعه کنش‌های قوم کرد مبتنی بر منشأشناسی کنش پرداخته نشده است. از این‌رو، در این مقاله سعی شده است تا با مطالعه کنش‌های قومیت کرد مبتنی بر چارچوب منشأشناسی کنش، فصل جدیدی از مطالعات قوم‌گرایی مورد بررسی قرار گیرد که در نوع خود بدیع است.

امنیت: تعریفی که در فرهنگ لغت از مفهوم امنیت ارائه شده، در یک تعبیر کلی، امنیت را رهایی از هر نوع تهدید، ترس و خطر برشمرده است (میلر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰). در زبان انگلیسی، این مفهوم از واژه لاتین «سکیوریتاس»<sup>۲</sup> از ریشه «سکیورس»<sup>۳</sup> مشتق شده که به معنای رهایی از «ترس» یا «نگرانی»<sup>۴</sup> یا آمان<sup>۵</sup>، اطمینان<sup>۱</sup>، حفاظت<sup>۲</sup> و صیانت<sup>۳</sup>

1. DerkKinnane  
2. Securitas  
3. Securus  
4. Fear or Anxiety  
5. Safty

به کار رفته است (افتخاری، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

کردها: مراد از کرد در این تحقیق فارغ از توصیفات مختلفی که از این قوم شده، کسانی هستند که دارای هویت قومی کردی هستند. البته، هویت، خصلتی تاریخی دارد، در طول تاریخ شکل می‌گیرد و قطع پیوند تاریخی موجب بحران هویت می‌شود (عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰). به بیان احمد شریف، «هویت به معنی هستی و وجود است، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد؛ یعنی مجموعه خصائل فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن، فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز شود» (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱).

قوم‌گرایی: عبارت است از احساس، علاقه، تعهد، تفکر، رفتار و تلاش برای خواست‌های قومی (شادرو و محمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷). قوم مرکزی یا قوم‌گرایی<sup>۴</sup> از ریشه یونانی به معنای «نژاد»، «ملت» و «مردم» گرفته شده است. «قوم مرکزی» رفتاری اجتماعی و آن طرز تلقی عاطفی است که به رجحان بخشیدن و ارزش نهادن مفرط به آن گروه اجتماعی محلی یا ملی که به آن تعلق دارد، می‌انجامد (جلائی‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۹۴). بنابراین، قوم‌گرایی مجموعه‌ای از احساسات، علایق و اهداف مشترک است که باعث شکل‌گیری نوعی انسجام و یکپارچگی در جهت رسیدن به هدف در بین مردم می‌شود و نظامی خاص را به همراه دارد.

نیاز: نیاز که در پاره‌ای از نوشته‌ها آن را با انگیزه، خواست و تمایل و آرزو مترادف دانسته‌اند، به نیروی ذهنی اطلاق می‌شود که موجب انگیزش و سر زدن رفتار خاصی از آدمی می‌شود تا نیاز بیدار شده ارضا شود» (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴، ص ۹). مفهوم نیاز یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم پیچیده در حیات بشری است که توجه بسیاری از دانشمندان روان و فلاسفه را به خود واداشته است. «نیاز عبارت است از حالت محرومیت یا کمبود هر حالتی که برای استمرار و ادامه حیات یک موجود زنده ضرورت دارد» (حاتمی و شمالی، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

اهمیت راهبردی قوم‌کرد: مطالعه اقوام مختلف و نحوه تعامل با آن‌ها برای هر کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌طور ویژه، اگر این تنوع قومیتی به نحوی باشد که از

1. Certainty  
2. Protection  
3. Defense  
4. Ethnocentris

مرزهای قومیتی داخلی به بیرون مرزهای کشور ادامه پیدا کرده باشد، شرایط را برای تعامل با قومیت‌های مختلف حساس‌تر می‌کند. قوم کرد با توجه به دارا بودن شرایط خاص ژئواستراتژیک و ژئوکالچر، در مطالعات قوم‌شناسی در غرب آسیا اهمیت فراوانی دارد که با توجه به دایره حضور کردها در کشورهای مختلف منطقه (عراق، ترکیه، سوریه، ایران)، اهمیت این موضوع بیشتر می‌شود. در پی تحولات جدید بعد از فروپاشی رژیم بعث در عراق، کردها موفق شدند حاکمیت غیررسمی خود بر سه استان کردنشین شمال آن کشور، یعنی استان‌های اربیل (هولیر)، دهوک و سلیمانیه را به صورت قانونی رسمیت بخشیده و «حکومت ناحیه‌ای کردستان» عراق را تحت عنوان «اقلیم کردستان» ایجاد کنند (پیشگاهی فرد و نصراللهی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱). با تشکیل اقلیم کردستان در عراق و افزایش روحیه استقلال‌گرایی در میان کردهای این حوزه، کردهای دیگر سایر کشورها نیز به سرعت تحت تأثیر این جریان قرار گرفتند و همین عامل باعث رشد احساسات قوم‌گرایی (ناسیونالیستی) آن‌ها از یک‌سو و تلاش برای تشکیل همگرایی بیشتر کردها شد. بنابراین، بعد از فروپاشی رژیم صدام، «روح کرد» در چشم‌انداز تحولات خاورمیانه به خصوص در عراق ظهور کرد. در همین راستا، کشورهای همسایه کردها، به خصوص ترکیه و سوریه با توجه به اقلیت‌های فراوان کرد، سعی کردند تحولات کردستان عراق را زیر نظر داشته باشند (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸، ص ۵۰). بنابراین، موضوع قوم‌گرایی کردی در منطقه از موضوعات بسیار مهم و حساس محسوب می‌شود؛ چراکه ۲۵ درصد جمعیت ترکیه، ۲۰ درصد جمعیت عراق، ۱۰ درصد جمعیت سوریه (اسراییلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ص ۷۹) و ۹ درصد از جمعیت ایران (محمدی، خالدی و سلیم نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷) را کردها تشکیل می‌دهند و همین عامل برای بیان اهمیت این موضوع کافی است. البته باید این نکته را مدنظر داشت که تمامی نواحی کردنشین منطقه، همواره بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند. در این راستا، می‌توان به شکل‌گیری جریان ناسیونالیسم کردی در نواحی کردنشین امپراتوری عثمانی و سپس سرایت آن به ایران، تأسیس اولین سازمان و حزب سیاسی در مناطق کردنشین ایران با ماهیتی مبتنی بر ملی‌گرایی کردی (کومله ژ-ک یا کومله ژیانی کردستان که به معنای جمعیت حیات یا تجدید حیات کردستان است) با راهنمایی و هدایت عده‌ایی از کردهای ملی‌گرای عراق در

1. Israeli

سال ۱۳۲۱، تأثیر اشغال شمال غرب ایران توسط شوروی بعد از جنگ جهانی دوم بر گسترش دامنه جریانات کردی در عراق، به ویژه شیوع تفکرات سوسیالیستی در کردستان عراق و برقراری ارتباط بین فعالان کرد عراقی با شوروی و نقش مؤثر توان رزمی کردهای عراقی (بارزانی‌ها) در تقویت تشکیلات جمهوری خودمختار مهاباد در مصاف با نظامیان ایرانی (در دوره اشغال ایران توسط شوروی) و کنترل ایلات ناهمراه و غیره اشاره کرد (پیشگاهی فرد و نصراللهی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۹۵).

این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است که رشد احساسات قوم‌گرایانه در یک منطقه از مناطق کردنشین به سرعت به سایر مناطق رسوخ کرده و باعث ایجاد بحران‌های امنیتی فراوانی برای تمامی کشورهای کردنشین به ویژه ترکیه، عراق و سوریه (به دلیل داشتن اختلافات اساسی با کردها) خواهد شد. در حقیقت، کشورهای منطقه (به ویژه ترکیه، سوریه و عراق) دارای مسئله مشترکی هستند که همان رشد همگرایی قومیت کردی در منطقه است؛ چراکه نه ترک‌ها و نه عرب‌ها نتوانسته‌اند اقوام کرد خود را با فرهنگ ملی خود همگرا کنند؛ بلکه همیشه شکاف اجتماعی عظیمی میان کردها و سایرین احساس شده است. به عبارت دیگر، کردهای منطقه به جای اینکه خود را عضو کشورهای متبوع خود بدانند، تلاش کرده‌اند برای خود هویتی جداگانه و در راستای رسیدن به کردستان بزرگ ترسیم کنند و سرنوشت خود را به سایر کردهای منطقه مانند ملتی واحد ولی تکه‌تکه شده، گره زده و هویت مستقلی برای خود تعریف کنند که به عنوان مثال، می‌توان به استقبال کردهای ترکیه از تصویب قانون اساسی موقت عراق در اسفند ۱۳۸۲ و شادمانی آن‌ها از رئیس‌جمهور شدن جلال طالبانی در عراق اشاره کرد (محمدی، خالدی و سلیم نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲). مسئله کردها در ایران متفاوت از مناطق دیگر است؛ چراکه کردها همیشه خود را از نژاد آریایی برادران ایرانی خود می‌دانند و هویت ایرانی و انقلاب اسلامی را بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ خود به حساب می‌آورند، همان‌گونه که در صحنه عمل نیز اغلب مردم کرد در ایران، تجلیگر این اعتقاد بوده‌اند.

### الگوی تحلیل

الف) طرح مفهوم بنیادین «نیاز»: تشکیل هویت‌ها و اقوام مختلف از زوایای متعددی قابل مطالعه است. یکی از مهم‌ترین عرصه مطالعات در این حوزه، مطالعه کنش‌های انسانی و شناخت منشأ این کنش‌هاست که ذهن بسیاری از دانشمندان روان را به خود مشغول

کرده است. روان‌شناسی دانش، مطالعه علمی رفتار انسان است. بحث از نیازهای انسان در این دانش، از دریچه رفتار انسان، مورد توجه است؛ به این دلیل که نیازهای انسان را سرچشمه و هدایت‌کننده رفتار او می‌دانند (کلانتری، ۱۳۸۹، ص ۴۱). مفهوم نیاز به مثابه عالی‌ترین منشأ کنش‌های فردی و اجتماعی انسان، قابل مطالعه و بررسی است. اگر نیاز، منشأ کنش‌های انسانی باشد، لاجرم انسان با طیفی از نیازهای متنوع روبه‌رو خواهد شد که در عالی‌ترین سطوح نیاز که عمیق‌ترین سطوح نیز است، نیاز به اصل بقا و متعاقب آن کیفیت و چگونگی بقا دیده می‌شود. «شدت رفتار» نیز با میزان قدرت نیاز مربوط به آن، تعیین می‌شود؛ اینکه انسان چه رفتاری را ابتدا باید انجام دهد و چه کاری را به بعد موکول کند، به ماهیت و نوع نیاز بستگی دارد (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

ساحت بقا، امنیتی‌ترین ساحت زیست انسانی است که به عنوان یک مفهوم کلان، همه حوزه‌های کنش‌محور انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. «میان امنیت به معنای حفظ بقای موجودیت و سطح فردی و امنیت از همان ابتدای تاریخ حیات بشر، رابطه برقرار بوده است و بدین ترتیب، حفظ بقا و موجودیت را می‌توان قدیمی‌ترین و در عین حال، کانونی‌ترین و مهم‌ترین تعریف آن تلقی کرد» (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰). با این تعریف و در صورت مفروض گرفتن این موضوع، هر آن چیزی که در مسیر اصل بقای انسان و در سطوح سطحی‌تر در مسیر چگونگی بقای او تأثیرگذار باشد، برای انسان به‌عنوان یک امر کنش‌ساز و در عین حال به مثابه یک موضوع امنیتی تلقی می‌شود. این موضوع، از آن رو که کلید طلایی در شناخت رفتار انسان به حساب می‌آید، به عنوان یک موضوع راهبردی در درک الگوهای رفتاری انسان‌ها و اجتماعات متنوع انسانی محسوب می‌شود. همان‌گونه که تعریف امنیت به حفظ بقا و موجودیت، اولین و مهم‌ترین تعریف این پدیده بوده که با مرحله نخست زندگی بشر تطبیق داشته است، اولین مرحله حیات افراد و جوامع انسانی نیز در گروه حفظ بقا و موجودیت بوده است (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰). از سوی دیگر، این کنش‌های انسانی هستند که متعلق به امنیت و ناامنی به حساب می‌آیند؛ زیرا کنش‌های انسانی محل بروز رفتار امن یا غیر امن هستند و خود همین کنش‌ها نیز مبتنی بر یک فرآیند نیاز محور شکل می‌گیرند که اهمیت و رابطه بین مفهوم کنش، امنیت و منشأ کنش را نشان می‌دهد. به این ترتیب، رفتار امن یا غیر امن مبتنی بر حوزه نیازها و ارضای آن‌هاست و این نیازها، در اصل در حیات انسانی و مؤلفه‌های مختلف آن، محوریت دارند.



موضوع ریشه‌شناسی امنیت و ناامنی از زاویه منشأ کنش به‌عنوان یک مسئله فلسفی و نظری قابل مطالعه و بررسی است. هر فرد یا جامعه‌ای براساس تصویری که از خود و محیط خود دارد و با مختصات معرفت‌شناسی و چارچوب زمانی - مکانی که در آن قرار گرفته است، تصور زمانه‌ای - زمینه‌ای را از خود رقم می‌زند. سه ساحت تبارشناسی، عرصه شناسی و آینده‌شناسی، مؤلفه‌های ساخت این تصور هستند که هر یک جداگانه در این تحقیق در رابطه با مدل کنش قومیت کرد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مبتنی بر این سه ساحت، فرآیند تصورات انسان‌ها و قومیت‌ها از گذشته، حال و آینده خود شکل می‌گیرد. شناخت این فرآیند، زمینه‌ای خواهد بود برای شناخت چگونگی شکل‌گیری نیازها و چگونگی ارضای آن‌ها در افراد و اقوام مختلف. مطابق با الگوی کنش مبتنی بر مفهوم بنیادین نیاز، اگر امنیت را مبتنی بر این سه حیطة مهم تبارشناسی، وضعیت شناسی و آینده‌شناسی بنا کنند، در این صورت، امنیت از سویی عهده‌دار شناخت فرآیندهای منتهی به ایجاد نیاز و هدایت آن‌ها و از سوی دیگر، متکفل تأمین ارضای آن‌ها مطابق با الگوی ارزشی و معنایی متناسب است.

**ب) الگوی نظری:** فهم فرآیند شکل‌گیری کنش‌های عینی و ذهنی انسان‌ها و قومیت‌های مختلف به مثابه یک کلید متدلوزیک برای طراحی الگوهای تعاملی با قومیت‌های مختلف به حساب می‌آید. این الگو زمانی کارآمد خواهد بود که توانایی شناخت و مدیریت عمیق نسبت به منشأ این کنش‌ها را داشته باشد (رجبی فرجاد، ۱۳۹۵، ص ۹). چارچوب تعاملی انقلاب اسلامی با قومیت‌های مختلف در یک سطح فطرت‌گرا و معنا‌باور است که حول ارزش‌های مشترک بین او و قومیت موردنظر شکل می‌گیرد. در این سطح از تعامل، پیش از آنکه به خود قومیت به‌عنوان یک غیرهویتی نظاره شود، به ارزش‌های مشترکی که می‌تواند بین قومیت عامل و قومیت مخاطب شکل بگیرد و مایه همزیستی ذیل آرمان‌های مشترک شود، پرداخته می‌شود. در این نوع نگاه، ممکن است قوم‌های مختلفی در یک دایره هویتی مشترک قرار بگیرند و غیریت‌های خود را به‌صورت مشترک تعریف کنند. مثال جمهوری اسلامی ایران و قوم‌های مختلف موجود در آن که در یک دایره هویتی ملی و مذهبی قرار گرفته‌اند، از این دسته است. این فرآیند در عرصه بین‌المللی نیز همگرایی را از سطح امنیتی - سیاسی تا سطوح عمیق‌تر معنایی و آرمانی ایجاد می‌کند و به تنوعات قومی به مثابه یک فرصت می‌نگرد تا یک تهدید؛ فرصتی که با ایجاد یک هویت منعطف مشترک و کلان، باعث همگرایی معناگرایانه قومیت‌های مختلف

می‌شود. پرداختن به تهدیدها و فرصت‌های مشترک در این روند از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، در این مقاله، نظریه منشأ کنش‌های انسانی به‌عنوان یک نظریه مهم در این زمینه مورد مطالعه قرار خواهد گرفت؛ نظریه‌ای که مطابق با فرآیند روان‌شناختی افراد و قوم‌ها علاوه بر اینکه شناخت خوبی از فرآیند شکل‌گیری رفتار قوم‌ها در عرصه بین‌الملل به دست می‌دهد، فرصت مدیریت شکل‌گیری کنش‌ها را نیز ممکن می‌سازد. در موضوع تبیین فلسفه کنش و منشأ شکل‌گیری کنش‌های انسانی، نظریه‌های مختلفی طرح شده است که در ادامه، به صورت مختصر به بعضی از این نظرها اشاره خواهد شد و الگوی تحلیلی پژوهش در نهایت، در قالب شکل ۱ ارائه خواهد شد.

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه انگیزش کنش، مفهوم نیازهای انسان است. در تئوری‌های انگیزشی<sup>۱</sup> متکی بر نیازها، به سه مدل متداول از مزلو، آلدرفر و ماری می‌توان اشاره کرد. اگرچه این سه نظریه، تفاوت‌هایی با هم دارند، اما شباهت‌های آن‌ها نیز در باب تأثیرگذاری نیاز بر انگیزش و کنش قابل بررسی است (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴، ص ۷۳).

در این تحقیق، نظریه مزلو به صورت مختصر مورد پردازش قرار گرفته است. یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها در رابطه با نیازهای انسانی، نظریه «مزلو»<sup>۲</sup> است که در قالب هرم نیازها طراحی شده است. نظریه مزلو درباره شخصیت، نوعی نظریه ارگانیسمی به حساب می‌آید. او آدمی را یک واحد کامل می‌داند که برای استعدادهای و ویژگی‌های بالقوه او اهمیت فراوانی قائل است. در برشمردن نیازها نیز که از دیدگاه وی، انگیزه‌های رفتار و نمودار شخصیت هستند، نیازهای فیزیولوژیکی را در درجه اول قرار می‌دهد (ساعتچی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۱). از زمان معرفی این تئوری در اواسط سال ۱۹۴۰ تا اواخر ۱۹۵۰، این تئوری عمدتاً در قلمرو روان‌شناسی بالینی قرار داشت. مع‌هذا، با توجه بیشتر به نقش انگیزش در کار تئوری سلسله مراتب نیازها، در اوایل سال ۱۹۶۰ به عنوان یک مدل جذاب درباره رفتار انسان در سازمان‌ها ظاهر شد (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴، صص ۷۳-۷۴).

مزلو بعد از این نیازها، به نیازهای امنیتی، عاطفی و اجتماعی نیز اشاره می‌کند. بنا بر نظر مزلو، یک ترتیب اولویت‌دار در بین نیازهای انسانی وجود دارد؛ به این معنی که انسان قبل از پرداختن به ارضای نیازهای سطوح بعدی، به ارضای نیازهایی اقدام می‌کند که در

1. Response - Outcomes  
2. Abraham Harold Maslow

مرحله پایین‌تری قرار دارند (لامبین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ص ۱۰۷).

الگوی کارکردی نیز یکی از نظریه‌های مطرح در راه شناخت نیازهای انسان و تأثیرات آن در کنش‌های انسانی است. الگوهای کارکردی بر راه‌هایی که طبق آن‌ها نگرش‌های فردی بر مبنای مفروضات و نیازهای متفاوت شکل می‌گیرند، تأکید می‌ورزند. این الگوها تا حدودی تجزیه و تحلیل خود را از نیازها بر مفروضات روان‌کاوی قرار داده‌اند و به جستجوی انگیزه‌های زیربنایی آدمی برآمده‌اند که ممکن است نگرش‌های سطحی‌تر را تبیین کنند (امیری، سالار و افرند، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷). دیدگاه بنیادی نظریه کارکردی، تغییر نگرش ساده است. مردم نگرش‌هایی را حفظ می‌کنند که با نیازهای آن‌ها جور در می‌آید و بر این اساس، برای تغییر نگرش‌ها باید بدانند که آن نیازها کدام‌اند (ساعتچی، ۱۳۸۸، ص ۵۶). در هر صورت، به نظر می‌رسد که شناخت فرآیند شکل‌گیری یک نیاز در یک فرد یا جامعه یا در یک قومیت می‌تواند تعامل با آن نیازها و پیش‌بینی‌پذیری کنش‌ها را کارآمدتر کند. نظریه کارکردی<sup>۲</sup> اسمیت<sup>۳</sup> و همکارش دی. کتز، بر این فرض مبتنی است که در آغاز ممکن است کارکرد نگرش‌ها ابزاری<sup>۴</sup>، سازگارکننده<sup>۵</sup> یا سودبخش<sup>۶</sup> باشد. به اعتقاد کتز، یک فرد نسبت به اشیایی نگرش مثبت پیدا می‌کند که در ارضای نیازهای او یا در جلوگیری از رویدادهای منفی برای وی، مؤثر باشند. اگر یک شیء یا یک فرد با نیازهای شخص مخالف باشد یا مانع از ارضای نیازهای او شوند، وی نسبت به آن شیء یا فرد، نگرش منفی پیدا خواهد کرد. این دیدگاه مبتنی بر اصول یادگیری است و بر این نکته تأکید دارد که تقویت‌ها و تنبیه‌هایی که شخص در گذشته در رابطه با موضوع نگرش دریافت کرده است، به عنوان پایه‌ایی برای شکل‌گیری و تغییر نگرش‌های او عمل می‌کند (ساعتچی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

در این مقاله، مبتنی بر دو نظریه مطرح شده از مزلو و نظریه کارکردی، نوع واکنش فردی و جمعی مبتنی بر یک انگیزش نیاز محور قرار داده شده است که منتهی به کنش فردی و اجتماعی می‌شود و با اعمال یک سری از اصلاحات نسبت به نظریه ترکیبی مطرح شده، در نهایت، الگوی تحلیل منتخب این مقاله در قالب شکل ۱ ارائه شده است.

1. Lambin

2. Functional Theory

3. M. B. Smith

4. Instrumental

5. Adjustive

6. Profitable

## نیاز شکل گرفته

### شکل ۱ - الگوی تحلیل تحقیق

طبق شکل ۱، به ارائه الگوی تعامل با قومیت‌های قابل همگرایی، اشاره شده است. در این راستا، سه مؤلفه تبارشناسی، عرصه‌شناسی و آینده‌شناسی به عنوان زمینه شکل‌گیری تصورات قومیت‌ها از خود و به عنوان زمینه فعال و تأثیرگذار بر فرآیند شکل‌گیری نیازها و انگیزش‌ها اشاره شده است. در این فرآیند، مراحل تعامل‌گرایی و غیریت‌گرایی مشترک (چگونگی طرح تهدیدها و فرصت‌های مشترک) و تصور بازیگر از محیط خود در نحوه شکل‌گیری و چگونگی ارضای نیازهای شکل گرفته شده، تأثیرگذار خواهد بود. نیاز شکل گرفته در مرحله بعدی، وارد فرآیند ارضای نیاز می‌شود که در این لایه نیز چارچوب‌های ارزشی و شرایط محیطی بازیگر در نوع ارضای نیازهای وی تأثیرگذار خواهد بود. در نهایت، طبق این الگو به مطالعه قومیت کرد پرداخته شده است تا بتوان علاوه بر تبیین فرآیند کنش این قومیت، به طرح‌ریزی مدل تعامل با قومیت‌های مختلف از جمله کردها اشاره کرد.

## روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی است که درصدد تبیین کاربست نظریه کنش‌های انگیزش محور و نیاز مبنای انسانی در مطالعه موردی قومیت کرد است. در این تحقیق، برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و برای پردازش داده‌ها از روش تفسیری با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و با نگاهی نو و از قالب یک رویکرد ترکیبی و میان‌رشته‌ای<sup>۱</sup>، به موضوع کنش‌های قومیتی پرداخته شده است؛ به نحوی که با تکمیل فرآیند منشأشناسی کنش‌های اقوام مختلف، ظرفیت مناسبی برای تعامل هوشمندانه با اقوام مختلف و قوم مورد نظر صورت می‌گیرد.

## یافته‌های تحقیق

با در نظر گرفتن مفهوم منشأ کنش‌های انسانی و اجتماعی برای مطالعه کاربست پذیری این فرآیند در شناخت قومیت کرد، به سه ساحت مؤثر در فرآیند شکل‌گیری نیاز در قوم کرد پرداخته خواهد شد و مبتنی بر آن، بایسته است اصول تعاملات با این قوم، مورد بررسی قرار گیرد.

۱- **تبارشناسی:** یکی از شعبه‌های مشهور نژاد آریایی که محققان در آریایی بودن آن‌ها شکی ندارند، «کردان» هستند (یاسمی، ۱۳۸۵، ص ۳) که به زبان کردی تکلم می‌کنند. زبان کردی سه لهجه عمده دارد که عبارتند از: زازا، گورانی و کرمانجی که هر کدام نیز دارای گویش‌های مخصوص به خود هستند (أبالاس، ۱۳۷۷، ص ۳۳). کردها اکثراً، پیرو مذهب شافعی هستند. این وضعیت در عراق، ترکیه و سوریه ثابت بوده و این خصیصه مذهبی، وجه تمایز آن‌ها با همسایگان‌شان است؛ زیرا همسایگان عرب و ترک آن‌ها، اکثراً حنفی هستند. درصد زیادی از کردهای ایران را نیز شیعیان تشکیل می‌دهند. البته در کنار پیروان مذاهب و فرقه‌های اسلامی، گروهی از کردها، مسیحی، آشوری، کلیمی و یزیدی مذهب هستند. نام کردستان که بر سرزمین محل سکناى کردان اطلاق می‌شود، نخستین بار در قرن دوازدهم میلادی از سوی دولت سلطان سنجر سلجوقی برای نامیدن ایالتی به این نام به کار رفت (کینان، ۱۳۷۲، ص ۶۶). البته برخی معتقدند که نام کردستان برای اولین بار در کتاب نزهةالقلوب حمدالله مستوفی (به سال ۷۴۰ هجری) به

1. Interdisciplinary

کار رفته است (یاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). کردستان در حقیقت بین پنج دولت خاورمیانه‌ای، بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر گذرگاه میان قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. این منطقه، محل تلاقی فرهنگ‌های ایرانی، ترک، عرب و همچنین گستره تلاقی ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام بوده است (جهانی، عزتی و نامی، ۱۳۹۴، ص ۶). از جنگ چالدران به بعد، دو سوم مناطق کردنشین تحت نفوذ دولت عثمانی قرار می‌گیرد و یک سوم آن در قلمرو خاک ایران باقی می‌ماند و پس از چهار قرن به دنبال فروپاشی این امپراطوری، کردستان عثمانی به دو قسمت اصلی، کردستان ترکیه و عراق و دو قسمت کوچک در شوروی سابق و سوریه تقسیم می‌شود (جلائی‌پور، ۱۳۷۲، صص ۲۹-۳۰). بنابراین، مسئله کردستان با فروپاشی امپراطوری عثمانی در پی جنگ جهانی اول شروع می‌شود و پس از جنگ جهانی دوم استمرار می‌یابد. در نتیجه، باید فروپاشی امپراطوری عثمانی و شروع جنگ جهانی اول را نقطه‌ای اساسی در تاریخ کردستان دانست. البته اصطلاح کردستان در گذشته اغلب برای اشاره به ولایت «وان»<sup>۱</sup> و «دیاربکر»<sup>۲</sup> در جنوب شرق «آناتول»<sup>۳</sup> و ولایت «موصل»<sup>۴</sup> در شمال عراق به کار برده می‌شد، ولی در نیمه دوم قرن گذشته، دولت عثمانی ایالتی به نام کردستان را ایجاد کرد که شامل تمامی ولایاتی بود که اکثریت آن را کردها تشکیل می‌دادند (علی، ۲۰۰۸، ص ۲۵). در مورد وسعت کل مناطق کردنشین (کردستان) در خاورمیانه، اختلاف نظر وجود دارد. «قاسملو»، مساحت تقریبی این مناطق را ۴۰۹/۶۵۰ کیلومترمربع ذکر می‌کند، ولی «گراهام»<sup>۵</sup> پژوهشگر غربی، آن را ۵۰۰ هزار کیلومترمربع می‌داند (نصری مشکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲).

در قرن بیستم، سه حادثه رخ می‌دهد که در تاریخ کردستان بسیار مهم است؛ اولین حادثه، وقوع جنگ جهانی اول است که باعث انعقاد پیمان «سور» می‌شود. در قرارداد سور که در آگوست ۱۹۲۰ به امضا می‌رسد، حقوق کردها و جلب نظر آن‌ها (مانند اعطای خودمختاری) مورد توجه قرار می‌گیرد و در همین راستا، گام‌های اجرایی نیز تعبیه می‌شود (آگلتون<sup>۶</sup>، ۱۹۶۳، ص ۱۱)، اما با انعقاد موافقت‌نامه لوزان به سال ۱۹۲۳، کردها به

1. van  
2. Diyarbakır  
3. Anatol  
4. Mosul  
5. Graham  
6. Eagleton

فراموشی سپرده می‌شوند (بشیکچی، ۱۳۸۷، ص ۹۹). دومین حادثه مهم، برافروختن شعله‌های جنگ جهانی دوم است که باعث تشکیل «جمهوری مهاباد» با حمایت شوروی در بخشی از مناطق کردنشین ایران می‌شود. بنابراین، اوج ناسیونالیسم کردی در قالب جمهوری کوچک تبلور می‌یابد که البته با عقب‌نشینی نیروهای شوروی از ایران، آن جمهوری نیز از بین می‌رود. سومین حادثه مهم نیز پایان جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب است که باعث تحول افکار و عقاید کردها می‌شود و زمینه را برای خودگردانی و تثبیت دولت منطقه‌ای کردستان در شمال عراق فراهم می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره علاوه بر شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان عراق، شدت گرفتن عملیات نظامی و سیاسی پ.ک.ک (P.K.K.)<sup>۱</sup> و فعال شدن کردهای سوریه برای اولین بار پس از تجزیه عثمانی است (محمدی، خالدی و سلیم نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹). البته لازم به ذکر است که هیچ حادثه‌ای به اندازه شکست عراق در جنگ دوم خلیج فارس، در تاریخ حرکت‌های کردی دارای اهمیت نیست؛ چراکه شکست عراق در جنگ دوم خلیج فارس، زمینه را برای رشد هویت مشترک کردی در قالب تأسیس دولت فراهم می‌کند.

در واقع، هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. بدون وجود چهارچوب مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مشخص و آشکار کند، افراد یک جامعه، امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر میان خود را نخواهند داشت. به عبارت دیگر، اساس دوام و بقای یک جامعه انسانی، کنش‌های ارتباطی آن جامعه است که به فرآیند معناسازی و هویت‌سازی منجر می‌شود. «مانوئل کاستلز»<sup>۲</sup> هویت را فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر مبنای معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند، تعریف می‌کند. وی در جای دیگری می‌گوید: هویت منبع معنا برای خودکنش‌گران است که از طریق فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود (حسینی و جلالی پور، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱). البته در روز شانزدهم مارس ۱۹۸۸، لفظی وارد تاریخ منطقه شد که بلافاصله به نماد یا سمبلی از فاجعه مردم کرد بدل شد و این لفظ «حلبچه» بود؛ وقایعی که در این روز اتفاق افتاد، بیش از هر یک یا مجموع وقایعی که در طی تاریخ روی داده بود، مردم را از هویت خویش آگاه کرده و

1. Partiya Karkerên Kurdistanê

2. Manuel Castells

باعث رشد احساسات ناسیونالیستی کردی در عراق و ترکیه شد و نوشته‌های فراوانی از ناسیونالیسم کرد شکل گرفت. لازم به ذکر است که بعد از بحران حلبچه، کردها ناچار شدند تا به دامن برادر بزرگ‌تر و حامی خود پناه ببرند و در سایه امنیت ایران به مقابله با حکومت فاسد صدام بپردازند. نخستین بیانیه نوشته شده‌ای که از ناسیونالیسم کرد به دست آمده است؛ نامه‌ای است که «شیخ عبیدالله» به یکی از نمایندگان قدرت‌های غربی فرستاده است. بر این اساس، بسیاری از محققان کردشناس، «شیخ عبیدالله» را نخستین ملی‌گرای کرد می‌دانند (محمدی، خالدی و سلیم نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸).

مسئله کردستان در ترکیه و عراق با فروپاشی امپراطوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول، آغاز شده و قبل و بعد از جنگ جهانی دوم در این منطقه استمرار می‌یابد. بنابراین، با تشکیل ترکیه نوین در سال ۱۹۲۴ و در پی آن، فروپاشی نهاد خلافت، واگرایی کردها آغاز می‌شود (کینان<sup>۱</sup>، ۱۹۶۴، ص ۳۰)؛ چراکه نخبگان جمهوری خواه ترک با ریشه‌کن ساختن خلافت، ناسیونالیسم ترک و دولتی سکولار را جایگزین آن می‌کنند که برای جامعه کردی به شدت ناشناخته بود (وانر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، ص ۱۰۲). در حقیقت، رهبران نوین ترکیه به ویژه «آتاتورک» و پیروانش معتقد بودند که ترکیه نباید وارد درگیری‌های دینی و مذهبی شود و دین، امری وجدانی است (گنل کورمای باشگانلیغی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، صص ۱۱۰-۱۱۱)، اما آن‌ها توجه نکرده بودند که در صورت حذف نهاد خلافت، چه مشکلاتی ممکن است حاصل شود. بنابراین، بعد از جنگ جهانی اول، فرصت ایجاد یک حرکت ملی بر مبنای ناسیونالیسم کردی برای اقوام کرد ایجاد می‌شود و آن‌ها سعی می‌کنند در غیاب نهاد خلافت دینی که مجبور به اطاعت از آن بودند، حرکتی ملی را بنیان نهند (علی، ۲۰۰۸، ص ۴۶۳). در نتیجه، اصطلاحاتی چون کردستان بزرگ، مسئله کردستان، تشکیل دولت مستقل کردی، خودمختاری کردی، همه، اصطلاحاتی جدید و مربوط به اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ هستند (جلائی‌پور، ۱۳۷۲، ص ۷۲). البته تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در سال‌های اخیر، موجب تقویت احساسات ناسیونالیستی در میان اکراد منطقه شده است؛ به گونه‌ایی که احساسات ناسیونالیستی از کردستان عراق به سایر مناطق منتشر شده و پرچم حکومت ناحیه‌ای کردستان (اقلیم کردستان) که در

1.Kinnane

2.Vaner

3.Genel kurmay Başkanlığı



واقع همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵ میلادی است، به عنوان نماد رسمی و ملی اکراد درآمده که آن را در مراسم مختلف به نمایش می‌گذارند.

کردها به شدت به تاریخ و زبان خود حساس هستند و همین دو عامل زبان و تاریخ کردی، از مؤلفه‌های اصلی کردها محسوب می‌شود و آن‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از تاریخ و زبان کردی، خود را از دیگران متمایز کنند و این احساسات را از نسلی به نسل بعد منتقل کنند. لازم به ذکر است که بهترین آرزوی تاریخی کردها، همان رسیدن به مفاد قرارداد «سور» و دست یافتن به خودمختاری در کل مناطق کردی بوده است (آبالاس، ۱۳۷۷، صص ۲۶۰-۲۷۰)، ولی نباید فراموش شود که خودمختاری، اولین گام در راستای اهداف کردی برای رسیدن به کردستان بزرگ است و کردها از افکار استقلال طلبانه بسیار قوی برخوردارند که حاضرند برای رسیدن به آن به نبرد بپردازند (علی، ۲۰۰۸، صص ۵۸۰-۵۸۵). لیکن، برخی از رفتارهای صورت گرفته در حق کردهای همسایه ایران در شکل‌گیری این احساس بی‌تأثیر نبوده است؛ مثلاً در سال ۱۹۸۳ تنها قبیله بارزانی، یکجا ۸۰۰۰ تن از افرادش را از دست داد؛ این‌ها قربانی یکی از عملیات‌های انتقامی صدام شدند که در تاریخ معاصر عراق (در عصر صدام) اتفاق افتاد و تنها حادثه‌ای از این دست نبوده است. از دیگر جنایات صدام، می‌توان به کشتار حلبچه اشاره کرد (وان برویین سن، ۱۳۷۸، صص ۴۷۵-۴۸۰). در حقیقت، به قول نیکیتین، احساس می‌شود از زمانی که عراقی‌ها مستقل شده‌اند، کردها در برابر آن‌ها حالت جنگی به خود گرفته‌اند. البته اوضاع ترکیه نیز بهتر از عراق نبوده است. در ترکیه اصالتاً وجود قومیتی به نام قومیت کرد انکار شد و سیاست‌های ترکیه (آتاتورک) در تبعید کردها به نقاط ترک‌نشین و همچنین ممنوعیت هرگونه خواندن و نوشتن به زبان کردی و پوشیدن محلی و قدغن کردن مسافرت خارجی‌ها به کردستان و تلاش برای اختلاط نژادی کردها و ترک‌ها از طریق ازدواج و نام نهادن کردها به ترک‌های کوهی که دارای بار معنایی سلبی بود، باعث انقلاب کردها شد که در نهایت، این انقلاب گسترده در غرب دریاچه وان سرکوب شد (فاروقی، ۱۳۶۲، ص ۷۲). از آن زمان به بعد، درگیری مستمر میان کردها و ترک‌ها استمرار داشته است و کردها هرگز نتوانسته‌اند به حقوق مدنظر خود در ترکیه برسند. گرچه در سوریه وضعیت کردها به وخامت وضعیت کردهای عراق در زمان صدام و ترکیه معاصر نبوده، اما کردها در سوریه نیز وضعیت چندان خوبی نداشته‌اند. چنانچه آن‌ها از برگزاری مراسم عید نوروز محروم شده و حق نداشتند آهنگ‌های کردی پخش کنند؛

درگیری‌های نوروز ۱۹۹۵ که شصت نفر دستگیر و نوروز ۱۹۹۸ که چندین نفر به اتهام پخش آهنگ‌های کردی زندانی شدند، نمونه‌هایی از این ماجراست. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در طول دوران حیات خود به مثابه ملجأ و پناهگاهی برای التیام فشارهای وارد شده بر کردها بوده است و به گفته «درک کینان»، ناسیونالیست‌های صادق و راستین کرد، حسن نیت بسیار زیادی نسبت به ایران دارند (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

۲- عرصه شناسی: کردستان، فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه است که از نظر اکولوژیکی (بوم‌شناختی)، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، مشرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را دربر می‌گیرد. با استناد به آمار رسمی سال ۱۹۸۵، تعداد کردهای ترکیه را بالغ بر ۱۸ میلیون نفر ذکر کرده‌اند که با توجه به رشد ۳/۲۷ درصدی، احتمالاً جمعیت کردهای ترکیه هم‌اکنون به بیش از ۲۶ میلیون نفر یعنی حداقل یک‌سوم جمعیت ترکیه برسد. کردهای سوریه نیز ۹ درصد جمعیت ۱۹ میلیونی سوریه را تشکیل داده‌اند که رقمی حدود ۱/۷ میلیون نفر می‌شوند (محمدی، خالدی و سلیم نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). ۲۰ درصد کل جمعیت عراق نیز کرد هستند (اسرائیلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ص ۷۹). از جمعیت پراکنده کردها در اروپا، آمریکا، استرالیا، کانادا و اسرائیل به عنوان «دیاسپورای<sup>۲</sup>» یاد می‌شود. جامعه دیاسپورای کرد، حداقل ۲ میلیون و حداکثر ۳ میلیون نفر یعنی ۶ تا ۹ درصد کل جمعیت کردها را تشکیل می‌دهند (جهانی، عزتی و نامی، ۱۳۹۴، صص ۹-۱۱). ویژگی‌های اقلیمی، جغرافیایی و توپوگرافی، شرایط کم‌نظیر اکولوژی، پوشش مرتعی و جنگلی، منابع آب زیاد و مناطق سرسبز از ویژگی‌های بارز منطقه کردستان است. اما، این منطقه از نظر منابع زیرزمینی نیز دارای منابع خوبی است؛ برای مثال، کردستان عراق در بردارنده چاه‌های نفتی بسیار غنی است که شامل منابع نفتی عظیمی در جهان است. در «رمیلان» واقع در جنوب شرق سوریه و «باتمان» (واقع در کردستان ترکیه) نیز نفت استخراج می‌شود (وان برویین تن، ۱۳۷۸، ص ۲۵).

در حال حاضر، تماس میان کردهای عراق، ترکیه و سوریه به آسانی انجام می‌گیرد، ولی

1. Israeli  
2. Diaspora

رفت و آمد میان کردهای قفقاز با کردهای ترکیه سخت و دشوار است. در حقیقت، کردها بزرگ‌ترین اقلیت فاقد دولت هستند (یلدیز و بریو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ص ۴) و همین عامل باعث رشد احساسات ناسیونالیستی در میان آن‌ها می‌شود. البته، ارتباط میان اکراد کشورهای مختلف نیز در رشد این احساس بی‌تأثیر نیست؛ به عبارت دیگر، چون کنترل در مناطق مرزی کم است، در نتیجه کردها می‌توانند به راحتی با هم ارتباط گرفته و در رشد احساسات ملی‌گرایانه خود بکوشند (سعادت، آثار تمر، پورمساح و نادری، ۱۳۹۶، ص ۹۵). در همین راستا، برخی از متفکران و اندیشمندان و سیاستمداران معتقدند که کردهای ترکیه و سوریه نیز به دنبال تشکیل منطقه‌ای مانند اقلیم کردستان عراق در کشور خود هستند؛ مسئله‌ای که ترک‌ها را به دلیل داشتن جمعیت قابل توجهی از کردها بسیار نگران کرده است. البته نباید فراموش کرد که تغییر و تحولات جدید فضای سیاسی خاورمیانه به ویژه از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، فرصتی برای کردها به وجود آورده است تا نسبت به آرزوی دیرین خود مبنی بر سامان‌یابی هویت کردی در منطقه، تأمل بیشتری کنند. به عبارت دیگر، تحولات منطقه در سال ۲۰۱۰ و بعد از آن به دلیل تضعیف توان و افزایش چالش دولت‌های سوریه و عراق به صورت مستقیم (به دلیل درگیری با داعش) و افزایش مشکلات ترکیه به صورت غیرمستقیم (به دلیل رشد روحيات قوم‌گرایی کردی)، باعث شد که کردها بتوانند در این منطقه مانند یک بلوک متحد عمل کنند و تقریباً ارتباطات نزدیکی باهم داشته باشند.

البته باید در نظر داشت که کردها در عراق از لحاظ سیاسی و اقتصادی تا حدودی مستقل شده‌اند و مقایسه وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ خارجی با زمان صدام قابل مقایسه نیست. در این زمینه، ظهور داعش باعث شد که کردها فرصت بیابند تا نیروهای پیش‌مرگ خود را در تمامی مناطق کردنشین مستقر کنند و ارتباطات خود را وثیق‌تر کنند. این مسئله به قدری رشد کرده که امروزه، رویکرد ترکیه و سوریه نسبت به مسئله کردها تغییر کرده است؛ چراکه کشورهای کوهی (در ترکیه) و مهاجر (در سوریه) می‌گفتند، در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای حاضر شده‌اند حقوق آن‌ها را به رسمیت بشناسند. در حقیقت، تحولات ناشی از بیداری اسلامی

1. Yildiz & Breaue

در منطقه به مثابه گشایش یک فصل جدید برای حیات کردها به حساب می‌آید. این تحولات، افق‌های جدیدی را پیش روی قوم کردی گشود تا بتوانند به آرزوی تاریخی خود بیشتر فکر کنند. از این‌رو، گروه‌های سیاسی و اجتماعی کرد با اینکه خواسته‌هایی متفاوت از خواسته‌های توده‌های ملی در بیداری اسلامی دارند، اما تلاش می‌کنند تا کنش‌های خود را دنبالهٔ تحولات منطقه غرب آسیا توصیف کنند. در هر صورت، اگر هم شعار بهار عربی مبنی بر دموکراسی خواهی بپذیرفته شود، باید دقت کرد که دموکراسی خواهی در قالب یک دولت ملی (استقلال خواهی) با دموکراسی خواهی تحت یک حکومت دموکراتیک متفاوت است. به هر حال، کردها ایدهٔ تشکیل دولتی دموکرات در قالب ملی را هدف قرار داده‌اند و در این راستا تلاش می‌کنند (مرادی، صبوری، خاکی و جوانمردی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۱).

مسعود بارزانی، رئیس حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در مصاحبه با شبکهٔ تلویزیونی «NTV» ترکیه در ۲۵ فوریه ۲۰۰۷ گفته بود: «من به عنوان یک فرد، به تشکیل یک دولت مستقل کردی (دولت- ملت کردی) به عنوان یک حق طبیعی اعتقاد دارم و در آیندهٔ دور یا نزدیک به موضوع دولت مستقل کردی به عنوان یک واقعیت نگریده خواهد شد» (پیشگاهی فرد و نصراللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲). البته برخی دولت‌های خارجی نیز در رشد این احساسات مؤثر بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد. کمک‌های ایالات متحده به کردها به قدری بوده که باعث گسترش نگرانی ترکیه از کردها شده است، لیکن کمک‌های مالی رژیم صهیونیستی به کردها به ویژه از سال ۱۹۶۷ نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده است (وان بروین سن، ۱۳۷۸، ص ۲۴). محرومیت‌های موجود و بیکاری و کمبود امکانات و احساس نوعی تبعیض در مناطق کردنشین از عوامل دیگر رشد این تفکر بوده است. لیکن، به نظر می‌رسد به دلیل اختلافات موجود در میان خود کردها و عدم همبستگی آن‌ها (مانند اختلافات تاریخی کردهای بارزانی با طالبانی‌ها یا اختلافات برخی از آن‌ها با PKK و غیره)، کردها از پتانسیل لازم برای دولت - ملت‌سازی در آینده‌ای نزدیک برخوردار نیستند. از سوی دیگر، تهدیدهای داعش و گروه‌های افراطی برای کردهای سوریه و عراق باعث شد تا کردها به این مهم بیشتر پی ببرند که به تنهایی توان امنیت زایی برای خود را ندارند.

۳- آینده‌شناسی: قوم کردی همیشه آرمان کردستان بزرگ را در ذهن می‌پروراندند و

امیدوار بودند با فعالیت خود در نهایت به این آرزوی دیرینه خود برسند (جلائی پور، ۱۳۷۲، ص ۴۹). البته این آرزو از دلسردی کردها نسبت به دیگران نشئت می‌گیرد که در فرهنگ رایج آن‌ها و ضرب‌المثل‌های آن‌ها قابل‌رؤیت است (ابالاس، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹). کردها چون هیچ‌گاه متحد قوی و مورد اتکایی در منطقه نداشته‌اند، همیشه در پی این بودند تا با تشکیل کردستان بزرگ، هویت مستقل کردی را شکل دهند و به صورت منسجم به ایجاد یک هویت سازمان‌یافته کردی اقدام کنند (یلدز و بریو،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰، ص ۴) و همین عامل باعث شکل‌گیری نیاز تشکیل دولت در آن‌ها می‌شود. کردها در کشورهای خود به دنبال خودمختاری هستند و آرزو دارند تا موقعیتی شبیه موقعیت اقلیم کردستان را تحصیل کنند. از طرف دیگر نیز ملی‌گرایان کرد در نهایت به دنبال تشکیل دولت-ملتی کردی (کردستان بزرگ) هستند و در این راستا فعالیت می‌کنند (جلائی پور، ۱۳۷۲، صص ۴۸-۴۹). به گفته «درک کینان»، ناسیونالیست‌های صادق و راستین کرد، حسن نیت بسیار زیادی نسبت به ایران دارند. یک احساس قومی در میان آن‌ها وجود دارد که می‌گوید: فارس‌ها، در مقایسه ترک‌ها و عرب‌ها، خصومت چندانی با هویت کرد ندارند. کردها نیز بسیار خوشحال‌اند که خود را از نزدیکان به فارس‌ها بدانند (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸، ص ۵۰). البته در آینده‌شناسی قوم کردی باید توجه داشت که آن‌ها میان چهار کشور بزرگ محصورند و در صورت هرگونه اقدام نسنجیده‌ای، ممکن است با مشکلات عدیده‌ای روبرو شوند. بنابراین، کردها به هیچ وجه نمی‌توانند حداقل در اوضاع کنونی و با فرض شرایط موجود دست به تشکیل دولتی مستقل بزنند؛ چراکه هیچ یک از کشورهای همسایه، چنین اجازه‌ای به آن‌ها نخواهد داد.

### نتیجه‌گیری

قوم کردی یک قوم اصیل و ریشه‌دار است که فراز و فرودهای زیادی را در طول تاریخ تجربه کرده است. کردها اصالتاً از نژاد آریایی هستند و رنگ و بویی ایرانی دارند و این مرزهای جغرافیایی است که خطوط اقوام کرد را به چند بخش تقسیم کرده است. بنا بر چارچوب نظری و اطلاعات آورده شده در این تحقیق، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به یک الگوی نظام‌مند برای تعامل با اقوام و از آن جمله قوم کرد نیاز دارد. کردها به

1. Yildiz & BREAUE

ایران احساس اطمینان دارند و جمهوری اسلامی نیز در طول تاریخ حیات خود، همواره به عنوان دوستی مورد اطمینان و پناهگاهی برای روزهای سخت قوم کرد بوده و هست. اما با عنایت به نظریه منشأ کنش‌ها، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران، باید اهتمام بیشتری نسبت به شناخت و مدیریت مؤلفه‌های تصویر و تصور ساز در ذهن کردها داشته باشد؛ چراکه این تصورات سه‌گانه در سه ساحت مطرح شده، باعث جایابی هویتی اقوام از خودشان و تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری نیازها و انگیزش‌های آن‌ها است. اینکه یک بازیگر چه مقدار در نسبت به این سه ساحت، اهتمام بیشتری داشته باشد و بتواند نسبت به تصورات قومیت‌ها از خودشان مؤثر باشد، یکی از مؤلفه‌های قدرت هوشمند و زمینه‌ساز، برای تعامل بهتر با آن‌ها خواهد شد. اهمیت بازاریابی سیاسی - اجتماعی، رسانه و اینکه این تصویرسازی چگونه اتفاق بیفتد، در نهایت بر روی شکل‌گیری مراحل انگیزش و نیاز و در نتیجه، شکل‌گیری کنش‌های ذهنی و عینی در کردها مؤثر خواهد بود. بنابراین، برای فهم نیازهای اقوام مختلف و از آن جمله قوم کردی و جهت شناسایی مبادی شکل‌گیری کنش‌های نیاز مبنای آن‌ها، باید سه مرحله «تبارشناسی، عرصه شناسی و آینده‌شناسی» نسبت به این قوم صورت گیرد تا بتوان معرفت درستی نسبت به فرآیندهای کنش‌ساز این قوم به دست آورد و مدیریت مناسبی را در جهت تعامل هر چه بهتر با آن‌ها در نظر گرفت.

خلاء قدرت مستقل کردها، باعث شده است تا آن‌ها به دنبال بازیگران قدرتمند حامی خود در سطح جهان باشند. قوم کرد در عصر کنونی نیاز به یک کشور مقتدر و همراه دارد که بتواند از مؤلفه‌های زیست کردی، تحت حمایت‌های قدرتمند دیگری، محافظت کند. شایسته است جمهوری اسلامی ایران همچون گذشته به مثابه یک قدرت منطقه‌ای، این دغدغه‌ها را شناسایی و به مثابه یک اقتدار حمایت‌کننده از کردها عمل کند؛ به نحوی که همچنان قوم کرد از فهم دغدغه‌های خود توسط کشور ایران مطمئن باشد. این مهم، باعث همگرایی بهتر کردهای منطقه با ایران خواهد شد که در چارچوب نظری توضیح داده شده در این تحقیق، قابل تبیین است؛ به نحوی که درک فرآیند شکل‌گیری نیازهای روان‌شناختی اقوام مختلف و پاسخگویی هوشمندانه به آن‌ها در ارتقای نوع تعاملات با اقوام مؤثر بوده و باعث پیش‌بینی‌پذیری و مدیریت بهتر کنش‌های عینی و ذهنی آن‌ها شده و همگرایی دو جانبه بین بازیگران را رقم می‌زند.

## منابع

## منابع فارسی

- آبالاس، ادگار (۱۳۷۷). جنبش کردها (اسماعیل فتاح قاضی، مترجم). تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- اطهری، سید اسدالله و پیروزفر، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). وضعیت مطالعات ترکیه شناسی در دانشگاه‌های ایران. *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ۱۱(۲۲)، صص ۵ - ۵۲. بازیابی از: [http://danesh.journals.isu.ac.ir/article\\_1775.html](http://danesh.journals.isu.ac.ir/article_1775.html)
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). *امنیت اجتماعی شده، رویکردی اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیری، عبدالرضا، سالار، روح‌الله و افرند، تقی (تابستان ۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در امنیت محلات شهر تهران با رویکرد امنیت محله محور. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۱۲(۴۲)، صص ۱۴۵-۱۶۲. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1205371>
- بشردوست تجلی، فریبا و نوشین فرد، مریم (زمستان ۱۳۸۲). اقوام و منبع کنترل درونی - بیرونی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۵(۱۸)، صص ۸۴-۶۵. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58258>
- بشیکچی، اسماعیل (۱۳۸۷). *مسئله کردستان در ترکیه و عراق (محمد رؤف مرادی، مترجم)*. تهران: انتشارات حمیدا. چاپ دوم.
- پیشگاهی فرد، زهرا و نصراللهی زاده، بهرام (تابستان ۱۳۹۱). پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*. ۴۶(۲)، صص ۱۸۹-۲۰۶. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/951081>
- تاجیک، محمدرضا (پاییز ۱۳۷۹). روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی. *فصلنامه مطالعات ملی*. ۲(۵)، صص ۱۵۹-۱۷۶. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/45280>
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲). *کردستان؛ علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۱-۱۳۷۰)*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- جهانی، داریوش؛ عزتی، عزت‌اله و نامی، محمدحسن (زمستان ۱۳۹۴). تحلیلی بر رابطه ژئوپلیتیک قوم کرد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر نظریه هارتشورن.

فصلنامه جغرافیای انسانی. ۱(۸)، صص ۱-۱۹. بازیابی از:

[http://geography.journals.iau-garmsar.ac.ir/article\\_537796.html](http://geography.journals.iau-garmsar.ac.ir/article_537796.html)

- چگنی زاده، غلامعلی و آثارتمر، محمد (تابستان ۱۳۸۸). تحرکات قومی کردها و امنیت

ملی ترکیه. فصلنامه روابط خارجی. ۱(۲)، صص ۱۸۵-۲۱۸. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/853163>

- حاتمی، محمدرضا و شمالی، محمدعلی (زمستان ۱۳۸۸). نظریه اخلاق مبتنی بر

نیازها. فصلنامه معرفت اخلاقی. ۱(۱۱)، صص ۴۷-۶۶. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/712866>

- حسینی، ابراهیم و جلائی پور، حمیدرضا (تابستان ۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه

اجتماعی برون گروهی با هویت ملی جوانان؛ بررسی موردی دانشجویان و غیر دانشجویان

اقوام ترک و کرد. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۲(۳)، صص ۲۹۹-۳۲۲. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/957984>

- خلیلی، رضا (پاییز ۱۳۸۷). امنیت و آزادی؛ در جستجوی نگرشی معطوف به توسعه

پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۱(۴۱)، صص ۴۹۵-۵۲۶. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/796492>

- رجبی فرجاد، حاجیه (زمستان ۱۳۹۵). رتبه‌بندی اهمیت مؤلفه‌های سبک زندگی در

احساس امنیت شهروندان. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۲(۴۴)، صص ۹-

۳۲. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1205392>

- رحیمی نیک، اعظم (۱۳۷۴). تئوری‌های نیاز و انگیزش. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی -

واحد تهران.

- زبیاکلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا (زمستان ۱۳۸۸). بررسی نقش همگرایی

کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری ایران در قبال عراق. فصلنامه سیاست.

۳۹ (۴). صص ۴۷-۶۲. بازیابی از: [https://journals.ut.ac.ir/article\\_20220.html](https://journals.ut.ac.ir/article_20220.html)

- ساعتچی، محمود (۱۳۸۸). نظریه پردازان و نظریه‌ها در روان‌شناسی و مدیریت. تهران:

جنگل (جاودانه).

- سعادت، علی؛ آثارتمر، محمد؛ پورمساح، فریبرز و نادری. منصور (بهار ۱۳۹۶). تأثیر

فعالیت گروه‌های تکفیری بر امنیت عمومی شهروندان استان کردستان. فصلنامه

پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱(۴۵)، صص ۹۳-۱۱۴. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1205398>

- سلطانی، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۲). درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از



دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله مراتب نیازها. *دوفصلنامه مدیریت اسلامی*. ۱۲۱(۱). صص ۹-۴۴. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1018853>

- شادرو، محمدرضا و محمدزاده، حسین (پاییز ۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر پیوستگی و گسستگی قوم‌گرایی سیاسی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۱۸(۵۴)، صص ۲۰۹-۲۴۳. بازیابی

از: [http://qjss.atu.ac.ir/article\\_883.html](http://qjss.atu.ac.ir/article_883.html)

- عبداللهی، محمد و حسین‌بر، محمد عثمان (زمستان ۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ۴(۴)، صص ۱۰۱-۱۲۶. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/91314>

- فاروقی، عمر (۱۳۶۲). *نگاهی به تاریخ و فرهنگ کردستان*. تهران: انتشارات شرق.  
- کاظمی، رضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مدیریت اقوام بر امنیت مرزهای کشور (مطالعه موردی؛ اقوام ترکمن شهرستان‌های گنبد و بندر ترکمن). *فصلنامه علوم و فنون مرزی*. ۷(۴)، صص ۸۵-۱۱۳. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1206014>

- کلانتری، ابراهیم (تابستان ۱۳۸۹). راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای انسان معاصر. *فصلنامه مطالعات تفسیری*. ۱(۲)، صص ۳۵-۶۰. بازیابی از:

<http://www.ensani.ir/fa/content/245274/default.aspx>

- کینان، درک (۱۳۷۲). *کردها و کردستان - مختصر تاریخ کرد (ابراهیم یونسی، مترجم)*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

- محمدی، حمیدرضا؛ خالدی، حسین و سلیم نژاد، ندیمه (بهار ۱۳۸۹). خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حکومت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۶(۱)،

صص ۱۱۲-۱۴۸. بازیابی از: [http://journal.iag.ir/article\\_56960.html](http://journal.iag.ir/article_56960.html)

- مرادی، اسکندر و صبوری، ضیاءالدین و خاکی، شیلان و جوانمردی، عبدالمطلب (زمستان ۱۳۹۴). *امکان‌سنجی شکل‌گیری اقلیم کردی در شمال سوریه*. سیاست جهانی.

۴(۴)، صص ۲۴۱-۲۷۸. بازیابی از:

[http://interpolitics.guilan.ac.ir/article\\_1579\\_0.html](http://interpolitics.guilan.ac.ir/article_1579_0.html)

- میلر، بنیامین (زمستان ۱۳۸۱). مفهوم امنیت؛ ضرورت و بازتعریف (مسعود آریایی‌نیا، مترجم). *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*. شماره ۳۳، صص ۱۷۴-۱۴۵. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/979602>

- نصری مشکینی، قدیر (پاییز و زمستان ۱۳۷۸). جمعیت و امنیت - امکانات و موانع

پیدایش دولت مرکزی در منطقه خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲ (۵ و ۶).

بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/165741>

- وان برویین سان، مارتین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی مردم کرد - آغاء، شیخ و دولت - ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان (ابراهیم یونسی، مترجم). تهران: نشر پانید.
- یاسمی، رشید. (۱۳۸۵). کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او. تهران: انتشارات ابن‌سینا. چاپ سوم.

#### منابع عربی

- علی، عثمان (۲۰۰۸). الحركة الكردیه المعاصره؛ دراسه تاریخیه وثائقیه. فیرجینیا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی. الطبعة الثانيه.

#### منابع انگلیسی

- Eagleton, William (1963). The Kurdish Republic of 1945. Oxford university press. London
- Genel kurmay Başkanlığı Tarafından hazırlanmış (2001). Atatürkçülük, Atatürkün görüş ve Direkifleri. Milli Egitim Basım Evi, Istanbul
- Israeli, Raphael (2004). The Iraq war: hidden agendas and Babylonian intrigue: the regional impact on Shi'ites, Kurds, Sunnis and Arabs. Sussex Academic Press. Portland
- Kinnane, Derk (1964). The Kurds and kurdistan. oxford university press. London
- Lambin, J. J. (2000). Market-Driven Management: Strategic and Operational Marketing. Macmillan: Palgrave Macmillan.
- O'balace, E. (1996). The Kurdish Struggle 1920-1994, MacMillan Press, London.
- Vaner, Semih (2003). Turkey and Europe: A Question of Otherness?. Global Dialogue, 5(3/4), p.100-109. Retrieved from: <https://search.proquest.com/openview/b27ce8d4ef23efc1ba7920f072d84480>
- Yildiz, Krim & Breau, Susan (2010). The Kurdish conflict: international humanitarian law and post-conflict mechanisms, Routledge. London